



الدَّرْسُ السَّابِعُ



النِّسَاء: ٩٧

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ...﴾



الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه جدید)

آباء	پدران «مفرد: أب»	صَحِكَ يَضْحَكُ	خندید می‌خندد
إِضَاعَة	تباه کردن	طَائِر	پرنده
أَلَا	هان، آگاه باش	عِنْدَمَا	وقتی که
جَلَبَ يَجْلِبُ	آورد می‌آورد	غَابَة	جنگل
حَطَب	هیزم	غَزْلَان	آهوها «مفرد: غَزَال»
حَمَامَة	کبوتر	فَرَح	شادی
حَوَائِج	نیازها «مفرد: حَاجَة»	فَرَح	جوجه «جمع: فِرَاح»
ذِنَاب	گرگها «مفرد: ذَنْب»	كَمَا	همان‌طور که
الرَّابِع، الرَّابِعَة	چهارم	مُسْتَشْفَى	بیمارستان «جمع: مُسْتَشْفَيَات»
رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ	خدا پدر و مادرت را بیامرزد!	نَصْر	یاری
صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَة	برایتان زحمت شد	هَجَمَ يَهْجُمُ	حمله کرد حمله می‌کند
صَيْدِيَّة	داروخانه	يَيْسُ يَيْئَسُ	ناامید شد ناامید می‌شود



1 كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.



2 فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةُ ذِئَابٍ عَلَى الْغِزْلَانِ.
و ...



3 الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إِلَهِي، مَاذَا نَفَعَلُ؟

4 الْغَزَالُ الثَّانِي: لَا نَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ.

5 قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا:

«مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجَحُ».

6 الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عُصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ:

«هَلْ خَلَفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ؟»

أَجَابَ الْعُصْفُورُ: «لَا».

زمین خدا گسترده است

- 1 مجری ای از آهوها در جنگلی میا کوهها و رودها بودند.
- 2 در روزی از روزها گریگ با آهوها جمله کردند.
- 3 آهوی اول: خدایا چه کار کنیم
- 4 آهوی دوم: نمی توانیم دفاع کنیم.
- 5 آهوی کوچکی با خودش گفت: «راه حل چیست؟ باید فکر کنم. منتظر خواهم شد.»
- 6 آهوی کوچک نشکس را دید؛ پس از او پرسید: «آیا پست آن کوهها دنیای دیگری است؟» گفت: «بله، اما نه»
- 7 آهوی کوچک ناامید نشد پس کبوتری را دید و از او پرسید:
- 8 «ای مادر دوجوجه، آیا پست آن کوهها جهانی غیر از جهان ما است؟» از او همان جواب را شنید.
- 9 آهوها همدی را مشاهده کردند و پرسید: «آیا پست کوهها جهانی غیر از جهان ما است؟ همدرد جواب داد: بله»
- 10 پس آهوها از کوه بلند بالا رفت و به بالایش رسید پس جنگلی گسترده ای مشاهده کرد.
- پس گریگت و به پدران آهوها گفت: «آیا می دانید پست کوهها جهان دیگری است؟»
- 11 و به مادران آهوها گفت: «آیا می دانید پست کوهها جهان دیگری است؟»
- 12 پس آهوی اول با ششم گفت: «چگونه این سخن را می گویی؟»
- 13 و آهوی دوم گفت: گویا تو دیوانه شدی.
- 14 و آهوی سوم گفت: او دروغ می گوید.
- 15 و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می گویی.
- 16 رئیس آهوها سخنان را قطع کرد و گفت:
- 17 او راستتر است او دروغ نمی گوید. زمانی که کوچک بودم پرندۀ مائلی به من گفت:
- 18 پست کوهها جهان دیگری است. و آن را به رئیسان گفتم ولی او سخن من را نپذیرفت و خندید
- 19 همانطور که می دانید من همیشه صلاحاتان را می خواهم. پس باید مهاجرت کنیم.
- 20 همه از کوه بالا رفتند و جهان جدیدی را دیدند و به هم می رسیدند.



7 أَلْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا يَيْسَتْ فَشَاهَدْتُ

حَمَامَةً وَ سَأَلْتُهَا:

8 «يَا أُمَّ الْفَرَّخَيْنِ،

هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»
سَمِعْتُ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ.

9 أَلْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هُدْهُدًا وَ سَأَلَتْهُ:

«هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

أَجَابَ الْهُدْهُدُ: «نَعَمْ».

10 فَصَعِدَتِ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ غَابَةً وَاسِعَةً؛ ثُمَّ

رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَائِ الْغِزْلَانِ:

«أَ تَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

11 وَ قَالَتْ لِأُمَّهَاتِ الْغِزْلَانِ:

«أَ تَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

12 فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بِغَضَبٍ:

كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!

13 وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي:

كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ!

14 وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّالِثُ:

هِيَ تَكْذِبُ.

15 وَ قَالَتْ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةُ: أَنْتِ تَكْذِبِينَ.

16 قَطَعَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:



17 «هِيَ صَادِقَةٌ. هِيَ لَا تَكْذِبُ؛ **عِنْدَمَا** كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي **طَائِرٌ** عَاقِلٌ:

18 خَلَفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَئِيسِنَا؛ لَكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ **صَحِكَ**.

19 **كَمَا** تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صَلاَحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ.»

20 صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلَ وَ وَجَدُوا عَالَمًا جَدِيدًا وَ فَرَحُوا كَثِيرًا.



الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



- أَيَّتُهَا الطَّالِبَاتُ، ماذا تَفْعَلْنَ؟

- نَصْنَعُ بَيْتًا خَشَبِيًّا.
ای دانش آموزان، چه کاری کنید؟
خانه‌ای چوبی می‌سازیم



- أَيُّهَا الرِّجَالُ، آيْنَ تَذْهَبُونَ؟

- نَذْهَبُ إِلَى الْحُدُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
ای مردان، کجا می‌روید؟
به مرزهای دیم برای دفاع از وطن



- أَيَّتُهَا الْمَرَّاتَانِ،

إِلَى آيْنَ تَذْهَبَانِ؟

- نَذْهَبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ.

ای دو زن، به کجا می‌روید؟
به چشمه آب می‌رویم



- أَيُّهَا الرِّمِلَانِ،

مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ؟

- نَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ.

ای دو همکلاسی، کجا تیس روی میز بازی می‌کنید؟
یک دقیقه بعد بازی می‌کنیم

در پاسخ به کلمه پرسشی «مَتَى: چه وقت» کلماتی می آیند که بر زمان دلالت دارند؛
 الْيَوْمَ - أَمْسٍ - غَدٍ - صَبَاحٍ - عَصْرٍ - مَسَاءٍ - لَيْلٍ - قَبْلَ سَنَتَيْنِ - بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ -
 فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي - فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ ...
 مثال:
 مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ يَوْمَيْنِ.

ترجمه کنید.

مَتَى نَصَرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿البقرة: ٢١٤﴾

یاری خدا چه وقت است؟ آگاه باش قطعا یاری خدا نزدیک است.

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

بعد ساعه	١. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاجِبَاتِكَ (وَاجِبَاتِكِ)؟
في الصباح	٢. مَتَى وَصَلْتَ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
في الظم	٣. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟
بعد اسبوعين	٤. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا؟

در جمله زیر تصویر، فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار رفته، در حالی که انجام دهنده آن، اسم مثنی یا جمع است؛ در چنین جمله هایی فعل به صورت جمع ترجمه می شود؛ مثال:



تَعْمَلُ هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَرْعَةِ.

این خانم های کشاورز در کشتزار کار می کنند.

جمله های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبُخُ** النِّسَاءُ طَعَامَ السَّفَرِ. **زنان** غذای سفر را می پزند.

۲. **رَجَعَتْ** أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. **خواهرانم** از خانه پدر بزرگم برگشتند.

۳. **يَخْرُجُ** اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ. **دو بازیکن** از میدان مسابقه خارج می شوند.

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

- | | | |
|---|---|--|
| ✗ | ✓ | |
| ✗ | ○ | ١. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ. |
| ○ | ✓ | ٢. قَبِلَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ. |
| ○ | ✓ | ٣. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: «عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ». |
| ✗ | ○ | ٤. سَأَلَتِ الْغَزَالَةُ الْهُدْهَدَ أَوَّلَ مَرَّةٍ. |
| ○ | ✓ | ٥. كَانَ عَدَدُ الذَّنَابِ خَمْسَةً. |

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.

١. ﴿لَكُمْ فِيهَا فَاوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ الْحُومَنُونَ: ١٩

برایان در بهشت میوه‌های بسیاری است و از آن می‌خورید.

٢. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ الرَّحُف: ٣

قطعه‌ها آن را قرآنی عربی قرار دادیم.

٣. ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

و پروردگارت کسی ظلم نمی‌کند.

٤. ﴿... فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ ق: ٢

پس کافران گفتند این چیز عجیبی است.

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أَخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

تو زبان عربی را به خوبی می‌شناسی و خواهرت آن را مانند تو نمی‌شناسد

۲. زَمِيلُكَ لَيْسَ مَلَابِسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟

همکلاسیات لباس های پاییزی پوشیده پس چرا تو نمی‌پوشی

۳. أَنْتِ شَعَرْتَ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.

تو دیروز احساس ناراحتی کردی و امروز احساس شادمانی می‌کنی

۴. أَنَا أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من احساس سردرد دارم، به درمانگاه خواهم رفت

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

صَحِجْتُ	خندیدم	أَضَحَكُ	می‌خندم
قَذَفْتُ	انداختی	تَقَذِفِينَ	می‌اندازی
تَقَطَّعُ	می‌برد	لَا تَقْطَعُ	نمی‌برد
تَلْبَسُونَ	می‌پوشید	لَيْسْتُمْ	پوشیدید
تَقْبَلَانِ	می‌پذیرید	لَا تَقْبَلَانِ	نمی‌پذیرید
تَنْصُرُ	یاری می‌کنی	لَا تَنْصُرُ	یاری نمی‌کنی
قَرَّبَ	نزدیک شد	يَقْرُبُ	نزدیک می‌شود
مَلَكْنَا	فرمانروایی کردیم	نَمْلِكُ	فرمانروایی می‌کنیم
عَسَلْتُنَّ	شستید	سَتَغْسِلْنَ	خواهید شست
يَفْهَمُ	می‌فهمد	سَوْفَ يَفْهَمُ	خواهد فهمید

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ. رسول الله ﷺ.

قطعه حادت کنی به راسی خورد هما نظوره آتش هیزم راسی خورد

۲. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قطعه نیازهای مردم به شما نعمتی از جانب خداست

۳. الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. رسول الله ﷺ

امانت داری روزی می آورد و خیانت ورزیدن، فقر می آورد

۴. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رسول الله ﷺ

قطعه خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد

۵. إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تبا ه کردن فرصت غصه دارد



بیمارستان کجاست؟ أَيْنَ الْمُسْتَشْفَى؟

الأول: أَيْنَ مُسْتَشْفَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)؟ بیمارستان امام حسن (ع) کجاست؟

الثاني: فِي ذَلِكَ الشَّارِعِ. در آن خیابان.

الأول: وَ هَلْ هُنَاكَ صَيْدَلِيَّةٌ قَرِيبَةً مِنَ الْمُسْتَشْفَى؟ و آیا آنجا داروخانه نزدیک بیمارستان است؟

الثاني: نَعَمْ؛ الْأَصِيدَلِيَّةُ فِي نَفْسِ الْمُسْتَشْفَى. بله؛ داروخانه در همان بیمارستان است.

الأول: هَلِ الْمُسْتَشْفَى بَعِيدٌ؟ آیا بیمارستان دور است؟

الثاني: لَا؛ قَرِيبٌ. بَعْدَ كِيلُومَتَرَيْنِ تَقْرِيبًا. نه نزدیک است. تقریباً دو کیلومتر بعد.

الأول: صَارَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ. برایتان رحمت شد.

الثاني: لَا؛ لَيْسَتْ رَحْمَةً، بَلْ رَحْمَةٌ. نه رحمتی نیست، بلكه رحمت است.

الأول: رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ! خدا پدر و مادر را بیا مرزد

الثاني: وَ وَالِدَيْكَ! و پدر و مادر تو (را نیز بیا مرزد)

